



Ethical Considerations in Combating White-Collar Criminals and a Look at the Debesh Tea Law in Iran

A.S. Orangi¹, S. Jafarzadeh Ph.D.^{2*}, S. Alipoor Ghoshchi Ph.D.²

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.
2. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

Abstract

Background: In recent years, incidents based on corruption and embezzlement such as what happened in Debesh Tea Company have further weakened the country's economic body. The occurrence of such financial corruption disrupts the psychological security of society; something that is not given much attention. The people who cause such financial corruption with a very large amount of money in society are definitely not ordinary people in society and are white-collar criminals. In the present study, the fight against white-collar criminals in Iran is examined and ethical considerations are raised in this regard.

Conclusion: In general, the financial crimes committed by white-collar criminals in Iran can be compared to an iceberg floating in the ocean, only a part of which is visible and a large part of which is hidden. Ethical considerations are essential for addressing white-collar crimes. Organizations and legal professionals must adhere to high ethical standards to ensure compliance and maintain public trust. Promoting a culture of honesty is essential for preventing and effectively addressing white-collar crimes. The Islamic Republic has enacted laws to combat financial corruption, but what is clear is that these laws are insufficient. Based on these laws, white-collar criminals cannot be identified and fought against; even if these individuals are identified, they are not subject to appropriate punishment. A law called Chai Dabesh has been proposed to combat white-collar criminals in Iran, which attempts to outline a policy that focuses on the hidden half of the volume of financial corruption. In addition to providing a solution to identify white-collar criminals, this law also provides appropriate punishment for them.

Keywords: *Ethical considerations, Chai Debesh, White-collar criminals*

***Corresponding Author:** S. Jafarzadeh Ph.D., Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. Email: s.jafarzadeh@urmia.ac.ir

How to cite: Orangi A.S., Jafarzadeh S, Alipoor Ghoshchi S. Ethical considerations in combating white-collar criminals and a look at the debesh tea law in Iran. *Ethics in Science and Technology*. 2025,20(08): 11-19.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

ملاحظات اخلاقی در مبارزه با مجرمان یقه سفید و نگاهی به قانون چای دیش در ایران

علی صفر اورنگی^۱، دکتر سیامک جعفرزاده^{۲*}، دکتر سلمان علیپور قوشچی^۲
 ۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
 ۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱)

چکیده

زمینه: در سالهای اخیر، رخدادهای مبتنی بر فساد و اختلاس مانند آنچه در شرکت چای دیش رخ داد بدنه اقتصادی کشور را بیش از پیش تضعیف کرده است. وقوع چنین فسادهای مالی، امنیت روانی جامعه را بر هم می‌ریزد؛ چیزی که زیاد به آن توجه نمی‌شود. افرادی که باعث وقوع چنین فسادهای مالی با مبلغ بسیار زیادی در جامعه می‌شوند، قطعاً و یقیناً از افراد عادی جامعه نیستند و مجرمان یقه سفید هستند. در مطالعه حاضر مبارزه با مجرمان یقه سفید در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و ملاحظات اخلاقی در این زمینه مطرح می‌شود.

نتیجه‌گیری: در حالت کلی جرایمی مالی که مجرمان یقه سفید در ایران مرتکب می‌شوند را می‌توان با کوه یخ سرگردان در اقیانوس مقایسه کرد که فقط بخشی از آن نمایان و حجم وسیعی از آن پنهان است. ملاحظات اخلاقی برای رسیدگی به جرایم یقه سفید ضروری است. سازمان‌ها و متخصصان حقوقی باید استانداردهای اخلاقی بالایی را برای اطمینان از انطباق و حفظ اعتماد عمومی رعایت کنند. ترویج فرهنگ صداقت برای پیشگیری و رسیدگی موثر به جرایم یقه سفید ضروری است. در نظام جمهوری اسلامی قوانینی برای مبارزه با فسادهای مالی تصویب شده‌اند ولی آنچه که عیان است، کافی نبودن این قوانین است. بر اساس این قوانین نمی‌توان مجرمان یقه سفید را شناسایی و با آنان مبارزه کرد؛ حتی اگر این افراد شناسایی شوند، مجازات مناسبی در انتظار آنها نیست. برای مبارزه با مجرمان یقه سفید در ایران قانونی تحت عنوان چای دیش مطرح شده‌است که سعی شده است سیاستی ترسیم شود که بر نیمه پنهان حجم فسادهای مالی متمرکز باشد. این قانون علاوه بر اینکه راهکاری ارائه می‌دهد تا مجرمان یقه سفید شناسایی شوند، مجازات مناسبی نیز برای آنان پیش‌بینی کرده‌است.

کلیدواژه‌گان: ملاحظات اخلاقی، چای دیش، مجرمان یقه سفید

سرآغاز

چنانچه، یک درخت تنومند در مقابل طوفان‌ها و سیل‌های ویرانگر مقاومت می‌کند، یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی نیز به راحتی می‌تواند در مقابل قدرتهای خارجی مقاومت کند. از سوی دیگر، چنانچه یک درخت تنومند به آسانی در مقابل حشرات کوچک به اسم موریهانه تسلیم شده و آن درخت تنومند توسط این موریهانه‌های کوچک و از نظر پنهان، آنچنان تضعیف می‌شود که در خود می‌شکند بدون آنکه نیازی به مداخله عوامل خارجی باشد، یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی قدرتمند نیز به راحتی توسط عوامل داخلی تضعیف شده و فرومی‌پاشد (۱).

در زمان‌های گذشته سقوط یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی^۱ الزاماً در اثر اقدامات و عوامل خارجی همچون جنگ نبود؛ حتی اگر سقوط یک امپراطوری یا یک نظام سیاسی در اثر عوامل خارجی بوده باشد، این امپراطوری و یا نظام سیاسی از قبل دچار فروپاشی داخلی شده‌است. به عبارت دیگر یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی، ابتدا، توسط عوامل داخلی تضعیف شده و سپس در اثر یک عامل خارجی از بین می‌رفت. از عوامل داخلی که منجر به تضعیف یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی می‌شود، می‌توان به فساد اخلاقی^۲ و فساد مالی^۳ صاحبان قدرت، جنگ داخلی برای تصاحب قدرت، فروپاشی مدنی و ناراضی بودن مردم به علت عدم تأمین نیازهایشان اشاره کرد. فروپاشی یک امپراطوری و یا یک نظام سیاسی در اثر عوامل داخلی را می‌توان به موریهانه و یک درخت تنومند تشبیه کرد.

مانند انصاف^۱، صداقت^۲، احترام^۳ و مسئولیت^۴ است. آنها به هدایت رفتار، ایجاد انتظارات و ارتقای رفاه افراد، جوامع و جامعه به عنوان یک کل کمک می کنند. ملاحظات اخلاقی می تواند در زمینه ها، حرفه ها، فرهنگ ها و جوامع مختلف متفاوت باشد. با این حال، برخی ملاحظات اخلاقی رایج وجود دارد که به طور کلی شناخته شده و مورد حمایت قرار می گیرند. در اینجا چند نمونه آورده شده است (۶-۸):

صداقت: صداقت، صمیمیت و شفاف بودن در اعمال، ارتباطات و روابط یکپارچگی^۵ و اتحاد: نشان دادن سازگاری بین گفتار، اعمال و ارزش های خود و پایبندی به اصول اخلاقی حتی در موقعیت های چالش برانگیز

احترام: شناخت و ارج نهادن به ارزش، حیثیت و حقوق ذاتی همه افراد، رفتار منصفانه و بدون تبعیض با آنها.

مسئولیت: مالکیت بر اعمال و تصمیمات خود، پاسخگو بودن در قبال عواقب آن و انجام تعهدات در قبال دیگران.

عدالت: ترویج انصاف، برابری و بی طرفی در رفتار با دیگران و اطمینان از توزیع عادلانه مزایا و بارها.

شفقت: نشان دادن همدلی، درک، و توجه به رفاه دیگران، و عمل به روش هایی که رنج را کاهش داده و رفاه افراد و جوامع را ارتقا دهد.

محرمانه بودن: احترام و حفاظت از حریم خصوصی^۶ و محرمانه بودن اطلاعات شخصی، حساس یا ممتاز.

پایداری: در نظر گرفتن تاثیر طولانی مدت اقدامات بر محیط زیست، جامعه و نسل های آینده و ترویج شیوه های پایدار.

حرفه ای بودن: رعایت استانداردهای بالای شایستگی، تخصص و رفتار در حرفه یا زمینه کاری.

رعایت قوانین و مقررات: پایبندی به قوانین، مقررات و الزامات قانونی قابل اجرا و انجام فعالیت ها به نحوی که با تعهدات قانونی مطابقت داشته باشد.

اینها تنها چند نمونه از ملاحظات اخلاقی هستند و می توانند اصول یا استانداردهای دیگری برای حوزه ها، حرفه ها یا زمینه های فرهنگی مختلف وجود داشته باشند. ملاحظات اخلاقی قطب نمای اخلاقی ارائه می کنند و به عنوان راهنمای افراد و سازمان ها برای تصمیم گیری اخلاقی، پرورش اعتماد، و کمک به جامعه ای اخلاقی تر و هماهنگ تر عمل می کنند.

در رابطه با جرایم یقه سفید، چندین ملاحظات اخلاقی وجود دارد که مرتبط هستند. این ملاحظات افراد و سازمان ها را در رفتارشان راهنمایی می کنند و به ایجاد انتظارات برای رفتار اخلاقی کمک می کنند. در اینجا برخی از انواع اصلی ملاحظات اخلاقی قابل اعمال در جرایم یقه سفید آورده شده است (۹ و ۱۰):

— صداقت و درستی: این مفهوم بر اهمیت صداقت، شفافیت و پایبندی به اصول اخلاقی تاکید دارد. مجرمان یقه سفید اغلب در اعمال فریبکارانه مانند کلاهبرداری، اختلاس، یا تجارت داخلی شرکت می کنند که این استاندارد اخلاقی را نقض می کند.

در ایران پس از روی کار آمده جمهوری اسلامی، به دلیل شرایط منطقه ای نظام همواره به فکر تقویت نیروهای مسلح بوده است و از مسائل اقتصادی^۷ و به تبع آن مجرمان یقه سفید که مرتکب جرایم مالی می شوند، غافل مانده است. نتیجه این غفلت ظهور افرادی با نام های اختصاری ب ز، ش ج، ا ط و م خ است که تأثیر بسیار سوئی هم بر نظام اقتصادی کشور، هم بر امنیت روانی مردم و هم بر اعتماد مردم به نظام سیاسی کشور شد. البته این افراد و فساد مالی آنها صرفاً قله کوه یخ است که نمایان شده است و بخش اعظم این افراد و فسادهای مالی از نظرها پنهان است، چون هیچ برنامه ای برای مبارزه با این افراد وجود ندارد (۲).

فساد مالی موجود در جامعه قطعاً یک معضل اجتماعی^۸ است و اگر با این معضل مبارزه نشود، نظام سیاسی حتماً آسیب غیر قابل جبرانی متحمل خواهد شد. فساد مالی به عنوان معضل اجتماعی به این معنی است که مجرمان یقه سفید در ایران با خصوصیات خاصی که دارند به منابع ثروت و یا افرادی که می توانند دسترسی به منابع ثروت را برای آنها تسهیل کنند، دسترسی پیدا می کنند و چون این افراد با خصوصیات خاص خود می توانند با جامعه تطبیق پیدا کنند، جرم آنها کشف نمی شود و این کشف نشدن جرم تا جایی پیش می رود که منجر به بسیاری از مشکلات اقتصادی می شود که بدترین حالت آن سقوط نظام اقتصادی و شدیدترین حالت آن سقوط نظام سیاسی است (۳ و ۴).

در مطالعه حاضر ضمن بررسی ملاحظات اخلاقی مرتبط با مبارزه با مجرمان یقه سفید، قانون جای دیش که در ایران برای مبارزه با این مجرمان طراحی شده مورد بحث قرار م گیرد.

بحث

یقه سفیدها چه کسانی هستند ؟

مجرمان یقه سفید^۹ اصطلاحی است که برای اولین بار توسط ادوین هاردین ساترلند استفاده شد. او دفاتر شرکت های صنعتی و بازرگانی را مطالعه کرد و فهمید این شرکت ها بسیاری از قواعد و قوانین تجاری را نقض کرده اند (۵). او این کار را در دهه ۴۰ میلادی در آمریکا انجام داد. اقدام وی باید عیناً در ایران انجام شود. به عبارت دیگر باید قضات دفاتر شرکاهای دولتی و خصوصی را تفتیش کنند تا رقم سیاه بزهکاری مجرمان یقه سفید را پیدا کنند. بنابراین، مجرمان یقه سفید به مجرمانی گفته می شود که از طبقه اجتماعی^۷ و ضریب هوشی بالایی برخوردارند. این مجرمان به راحتی خود را با شرایطی که حاکم بر جامعه است وفق می دهند تا بتوانند پوششی بر اعمال مجرمانه خود ایجاد کنند.

ملاحظات اخلاقی در مبارزه با مجرمان یقه سفید

ملاحظات اخلاقی^۸ اصول یا رهنمودهایی هستند که حاکمان و مدیران جوامع تعریف می کنند که چه چیزی از نظر اخلاقی درست یا نادرست در یک زمینه یا حوزه خاص تلقی می شود. این ملاحظات چارچوبی را برای افراد و سازمان ها فراهم می کند تا تصمیمات اخلاقی بگیرند و رفتارهای اخلاقی^۹ انجام دهند. ملاحظات اخلاقی مبتنی بر ارزش هایی

انصاف و عدالت: این امر مستلزم رفتار عادلانه با همه افراد و اطمینان از انصاف در معاملات، قراردادهای و شیوه های تجاری است. جرایم یقه سفید می تواند شامل اعمال ناعادلانه ای باشد که دیگران را برای منافع شخصی استثمار می کند، مانند تعیین قیمت، رشوه دادن، یا رشوه.

مسئولیت پذیری: این مفهوم بر مالکیت اعمال، اذعان به عواقب و پاسخگویی در قبال آنها تاکید دارد. مجرمان یقه سفید اغلب در سوءمدیریت مالی یا کلاهبرداری شرکت می کنند و مسئولیت اعمال خود و آسیب وارده به ذینفعان را بر عهده نمی گیرند.

رازداری و حریم خصوصی: این امر شامل احترام به محرمانگی و حریم خصوصی افراد و اطلاعات شخصی یا حساس آنهاست. جرایم یقه سفید مانند سرقت هویت یا افشای غیرمجاز اطلاعات محرمانه این ملاحظه اخلاقی را نقض می کند.

حرفه ای گرایی: این مفهوم شامل حفظ استانداردهای حرفه ای بالا، شایستگی و تخصص در زمینه کاری است. مجرمان یقه سفید ممکن است از موقعیت های اعتماد خود سوء استفاده کنند، از نقش های حرفه ای خود برای منافع شخصی یا درگیر شدن در فعالیت های متقلبانه سوء استفاده کنند.

تضاد منافع: این امر افراد را ملزم می کند که هر گونه تضاد منافی را که می تواند قضاوت یا بی طرفی آنها را به خطر بیندازد، شناسایی و مدیریت کنند. جرایم یقه سفید اغلب شامل موقعیت هایی است که افراد منافع شخصی را بر منافع سازمان یا ذینفعان ترجیح می دهند.

انطباق با قوانین و مقررات: این مساله شامل اطاعت از همه قوانین، مقررات و آیین نامه های رفتار حرفه ای قابل اجرا است. طبق تعریف، جرایم یقه سفید شامل نقض الزامات قانونی و مقرراتی است.

نگاهی به قانون جای دبش در ایران

الف) ماهیت قانون جای دبش

در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۱۱ سازمان بازرسی کل کشور خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه شرکت خاص معادل ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار ارز دریافت کرده است تا جای و ماشین آلات وارد کند. اما این شرکت به تعهدات خود عمل نکرده است. فساد مالی که در این رابطه رخ داده است بزرگترین فساد مالی رخ داده پس از انقلاب اسلامی است. این فساد باعث شد مقایسه های عجیب و غریبی بین مردم از حیث اینکه چه کارهایی میتوان باین مبلغ انجام داد، شیوع پیدا کند. عده ای گفتند اگر از ۱۴۰۰ سال قبل، روزی چند صد میلیون تومان خرج می شد باز هم این پول تمام نمی شد و یا گفته شد می توان با این پول برترین و بلندترین برج در آسیای غربی (خاورمیانه) را ساخت.

باری، چنانچه گفته شد بعد از انقلاب اسلامی به دلیل شرایطی که وجود داشت، تمرکز حاکمیت روی مسائل نظامی بود و از مسائل دیگر من

جمله مسائل اقتصادی و مفسدان مالی غافل بوده است. البته برای مبارزه با مجرمان یقه سفید قوانینی تصویب شده اند من جمله قانون قانون مبارزه با پولشویی، قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، قانون تعزیرات حکومتی، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها، قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری، برخی از مواد در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) همچون مواد فصل سیزدهم (تعذیات مأمورین دولتی نسبت به دولت) و قانون حمایت از گزارشگران فساد.

اما با وجود تورم قوانین، کافی و وافی نبودن این قوانین مورد توجه است؛ به عبارت بهتر و دقیق تر تهی و بی فایده بودن این قوانین است. مستند این مدعا افزایش صعودی نرخ پرونده های مربوط به فساد مالی هستند که اخبار آن در روزنامه ها منتشر شده اند و صد البته در سطور آتی به تعدادی از این موارد اشاره خواهد شد. دلیل اصلی بی فایده بودن این قوانین این است که فحوی آنها صرفاً ذکر یک عده وظایف همراه با یک عده جرم انگاری ها است که هیچ توجهی به افراد هدف، تناسب مجازات ها با انگیزه ها، حمایت از افراد دخیل در کشف فساد اقتصادی و از همه مهم تر نتیجه حاصله از این قوانین نمی شود. البته قطعاً در قانون جای دبش این موارد رعایت خواهند شد. النهایه استراتژی قدیمی تورم قوانین به عبارت دیگر تصویب سریع یک قانون و اعمال مجازات برای عمل جدید باید کنار گذاشته و شیوه نوین و جدیدی به کار گرفته شود. نویسندگان مقاله حاضر با تأسی از نام شرکتی که بزرگترین فساد مالی بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی را انجام داده است، این مطالعه را قانون جای دبش نام نهاده اند. با این کار دو هدف مد نظر است:

اول اینکه عموم مردم و همچنین خواص مردم (حقوقدان ها) جذب عنوان خاص این مطالعه شوند و همواره به یاد داشته باشند که اگر با مجرمان یقه سفید مبارزه نشود، ممکن است فسادهای مالی به مراتب بیشتری در جامعه واقع شود

دوم اینکه افراد ذی نفوذ در قوه مقننه و قوه قضائیه می توانند با تأسی از استدلال های مشار در این مطالعه طرح یا لایحه ای برای مبارزه با مجرمان یقه سفید ارائه دهند. صد البته هدف اخیر، هدف اصلی است.

از آنجایی که هدف اصلی مطالعه ارائه راهکاری برای تدوین یک قانون مؤثر برای مبارزه با مجرمان یقه سفید است، لازم است در وهله نخست، سیاست جنایی مد نظر در این قانون تبیین شود. سیاست جنایی مد نظر در این قانون باید از سیاست جنایی سرکوب گر و اقتدارگرا تبعیت کند. شیوه سیاست جنایی اقتدارگرا این است که برای مبارزه با جرم و بزهکاری از توسل حداکثری به مداخله کیفری و پاسخ های طردکننده استفاده می کند (۹). در دهه های اخیر استفاده از سیاست جنایی سرکوب گر با شیوه هایی همچون سه ضربه و اخراج، پنجره های شکسته

مقامات قضایی دادرها اختیارات ویژه اعطاء کرد و همچنین قضات دادگاه‌ها را ملزم کرد، مجرمان را به نحو دیگری که در قانون مجازات اسلامی مقرر شده‌است مجازات کند.

محتوای قانون جای دبش

چنانچه از موضوع مطالعه مشخص است، هدف ایجاد یک قانون برای مبارزه با مجرمان یقه بسته در ایران است. طبعاً یک قانون از مواد و تبصره‌هایی تشکیل شده‌است. این مواد و تبصره‌ها حاوی تبیین اهداف و تعریف مفاهیم، ذکر اشخاص حقیقی و حقوقی مسؤول در رابطه با موضوع قانون و تشریح وظایف آنها، تعیین مجازات‌های دقیق و متناسب با مجرمان یقه بسته که بازدارندگی حداکثری داشته باشند. در حالت کلی یک سیستم خاص که فقط وظیفه مبارزه با مجرمان یقه بسته را داشته باشد. همانطوری که ذکر شد این قانون از سیاست سخت تبعیت می‌کند؛ لذا ممکن است در این قانون اقداماتی در نظر گرفته شود که با اصولی همچون برائت و یا شخصی بودن و فردی کردن مجازات‌ها سازگاری نداشته باشد. لکن از نظر نویسنده این موارد هیچ ایرادی ندارد. چرا که اصول ساخته دست بشر بوده و در برخی موارد که نفع خودش اقتضاء می‌کند ممکن است از آن اصول خود ساخته عدول کند. در ادامه، مواردی را که باید در این قانون اعمال شوند به نحو نکته اول، نکته دوم و .. پیشنهاد شده‌اند.

نکته اول: ابتدا باید مشخص شود که چه افرادی با چه اعمالی مشمول این قانون و مجازات‌های مقرر در آن می‌شوند. تمامی افرادی که مستخدم قوه قضائیه، قوه مقننه و قوه مجریه هستند، تمامی افرادی که در نهادهای اقتصادی وابسته به نیروهای نظامی فعالیت می‌کنند، تمامی افرادی که در نهادهای وابسته به مقام معظم رهبری فعالیت می‌کنند، تمامی افرادی که در نهادهای وابسته به آستان‌های مقدس فعالیت می‌کنند، تمامی افراد بخش خصوصی که وظایف هر یک از قوای سه‌گانه و نهادهای وابسته به مقام معظم رهبری و به طور کلی افراد بخش خصوصی که متصدی فعالیت‌های مربوط به کل حاکمیت هستند یا از منابع مربوط به حاکمیت و بیت‌المال استفاده می‌کنند، مشمول قانون جای دبش هستند. می‌توان به این موارد افرادی را هم اضافه کرد که نه وابسته به نهادهای حاکمیتی هستند و نه از منابع تحت اختیار حاکمیت و بیت‌المال استفاده می‌کنند بلکه مرتکب جرایم اقتصادی با مبلغ بسیار زیاد و یا علیه بزه‌دیدگان متعدد می‌شوند به نحوی که در نظم و اعتماد عمومی اختلال ایجاد می‌شود. نکته اول را می‌توان اینگونه تبیین کرد که اگر افراد وابسته و یا مستخدم هر یک از نهادهای حاکمیتی مرتکب جرایم اقتصادی شوند و اگر افرادی که وابسته و یا مستخدم نهادهای حاکمیتی نیستند، در صورتی که وظایف مربوط به حاکمیت را انجام می‌دهند و یا از منابع حاکمیتی استفاده می‌کنند، نسبت به آن منابع و یا با سوء استفاده از آن وظایف مرتکب جرایم اقتصادی شوند و همچنین اگر افراد اخیر مرتکب جرایم اقتصادی با مبلغ زیاد و یا علیه بزه‌دیدگان متعدد شوند به نحوی که به اعتماد عمومی خدشه وارد شود، مشمول قانون جای دبش خواهند شد. به عبارت دیگر مرتکبان جرایم اقتصادی اگر

و تسامح صفر صورت گرفته است. در سال‌های بعد از ۱۹۹۰ میلادی در جامعه آمریکا نگرانی‌های عمومی مبنی بر اینکه مجرمان خیلی زود از زندان آزاد می‌شوند و متنبه نمی‌شوند، به وجود آمد؛ سپس در بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ میلادی اکثر ایالت‌های آمریکا قوانینی تحت عنوان سه ضربه و اخراج تصویب کردند و هدف از این قوانین حذف طولانی مدت مجرماتی از جامعه بود که به طور مکرر جرایم جدی انجام می‌دادند (۱۰). در دهه ۱۹۷۰ میلادی در ایالت نیوجرسی آمریکا برنامه‌ای تحت عنوان برنامه محله‌های ایمن و پاک تدوین و اعلام شد. هدف از این برنامه کاهش جرم در سطح خیابان و محله‌ها بود. روش اجرای این برنامه به این شکل بود که گشت‌های پلیس به جای آنکه با ماشین در محله‌ها تردد کنند، به صورت پیاده در محله‌ها و سطح خیابان تردد کنند (۱۱). این سیاست سخت حفظ نظم عمومی از آنجایی پنجره‌های شکسته نامیده شد که مردم بالاخص روانشناسان و افسران پلیس معتقد بودند که اگر پنجره‌ای در ساختمانی شکسته شود و تعمیر نشود، مابقی شیشه‌ها به زودی شکسته خواهند شد. فیلیپ زیمباردو، روانشناس، در سال ۱۹۶۹ میلادی بر مبنای تئوری پنجره‌های شکسته آزمایشی انجام داد که متوجه شد، آنچه در این تئوری گفته شده‌است، کاملاً صحیح است. در این آزمایش دو ماشین بدون پلاک و با کاپوت باز در دو محله متفاوت رها شد. در محله اول گروه وندال‌ها شروع به تخریب این ماشین کردند و سپس گروهی از مردم وسایل و تجهیزات ارزشمند را از ماشین برداشتند. در محله دوم چند روز ماشین سالم مانده بود به همین علت خود روانشناس بخشی از ماشین را تخریب کرد. بعد از مدتی همان اتفاقی سر ماشین دوم آمد که سر ماشین اول آمده بود (۱۲). اصطلاح تسامح صفر نیز برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ میلادی در روزنامه لکسیس‌نکسیس به علت اخراج ۴۰ نیروی دریایی آمریکا به دلیل مشکوک بودن به مصرف مواد مخدر، ذکر شد. سپس در سال ۱۹۸۶ میلادی دادستان یکی از ایالت‌های آمریکا اصطلاح تسامح صفر را به عنوان نام یکی از برنامه‌هایی انتخاب کرد که قرار بود کشتی‌هایی را که حامل هر مقدار مواد مخدر باشد توقیف کند. بعد از آن در سال ۱۹۸۸ میلادی دادستان کل ایالات متحده آمریکا به مأموران گمرک اجازه داد تا هر وسیله نقلیه را که در مرزها تردد می‌کند و حامل مواد مخدر است را توقیف کنند. این سیاست به سرعت به امور دیگر از جمله آلودگی محیط زیست، آزار و اذیت جنسی و عدم تحمل نژادی سرایت کرد. قانون مدارس عاری از سلاح را نیز می‌توان ناشی از همین سیاست دانست که در سال ۱۹۹۴ به دنبال خشونت در مدارس تصویب شد (۱۳). به هر حال، هدف از تبیین و شرح مختصر این سیاست‌ها این است که اولاً مشخص شود در دهه‌های گذشته برای مبارزه با برخی جرایم و بی-انضباطی‌ها قوانین موقت با سیاست‌های جنایی سخت به تصویب رسیده و اجرا شده‌اند و تقریباً نتایج معقولی هم برای یک بازه زمانی محدود در پی داشته‌اند؛ هرچند که افرادی سیاست‌های جنایی سخت را مغایر با آزادی‌های اجتماعی و انفرادی مردم می‌دانند. از این سیاست‌ها، به طور ترکیبی، می‌توان در مبارزه با مجرمان یقه سفید در ایران استفاده کرد. مثلاً برای کشف تمامی مفاسد مالی و تعقیب عاملان آنها می‌توان به

وابسته به نهادهای حاکمیتی باشند به طور مطلق و اگر بخش خصوصی باشند با شرط اینکه وظایف و منابع حاکمیتی به آنان محول شده باشد یا اگر بخش خصوصی باشند در غیر از موارد مذکور مرتکب جرایم اقتصادی با مبالغ بیش از ۵۰۰ میلیون تومان و یا در صورتی که تعداد بزه‌دیدگان بیش از ۵ نفر باشند، مشمول قانون چای دیش می‌شوند.

نکته دوم: قانون چای دیش به طور موقت برای ۵ سال اجرا خواهد شد و هر سال یک گزارش حاوی تعداد مجرمان، مشخصات آنان، مجازات آنان، مبالغ کشف شده و نحوه مصرف آنان، افراد پاداش گیرنده و موارد دیگر با جزئیات در اختیار عموم مردم قرار داده خواهد شد. همچنین ارزیابی خواهد شد که این قانون به چه اندازه تاثیر مثبت و یا منفی بر اعتماد مردم، اقتصاد و موارد دیگر می‌گذارد. مفاض بر این موارد قوانینی که در حوزه جرایم اقتصادی وضع شده‌اند باید تا زمان اتمام اجرای این قانون نسخ شوند. این اقدام هم تورم و سرگردانی قضات را از بین می‌برد و هم مانع تشتت آرای قضایی می‌شود.

نکته سوم: تفاوت اصلی که قانون چای دیش با دیگر قوانین مربوط به جرایم اقتصادی دارد این است که این قانون صرفاً به دنبال تشریح وظایف و جرم‌انگاری نیست بلکه به دنبال کشف رقم سیاه بزهکاری و یا به عبارت دیگر کشف نیمه پنهان کوه یخ است. پس نکته سوم به کشف جرایم اقتصادی مربوط می‌شود. در کشف نیمه پنهان کوه یخ یا به عبارت دقیق‌تر کوه فساد باید یک مصونیت یک وظیفه و یک پاداش در نظر گرفت؛ مصونیت برای همه گزارش‌دهندگان فساد، وظیفه برای همه قضات دادسرا و پاداش برای همه افرادی که در کشف نیمه پنهان کوه فساد دخیل بوده‌اند اعم از قضات و یا غیر قضات. مصونیت باید مطلق باشد و هیچ قیدی در آن پذیرفته نیست. همه مردم، روزنامه‌ها، مجلات، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و همه صفحات مجازی نباید هیچگونه واهمه‌ای از گزارش فساد داشته باشند و در کمال آرامش گزارش خود را ارائه کند. تنها موردی که باید در نظر گرفت این است که اگر فساد گزارش شده اثبات نشد، شخص گزارشگر ملزم به عذرخواهی خواهد شد. در این حالت قضات دادسرا باید فعال باشند و در حوزه قضایی محل خدمت خود حسب مورد در جلسات ده‌داری، شهرداری، شورای شهر، فرمانداری، استانداری و هر جلسه‌ای که در رابطه با پول و منابع مالی است شرکت کنند. برای اینکه قضات دادسرا به این صورت عمل کنند باید چند امر مهم صورت بگیرد: اول اینکه تمامی قوانینی که برای ضابطان دادگستری وظیفه انجام تحقیقات، جمع‌آوری دلایل، معاینه محل و موارد دیگر از وظایف را که غیر از تأمین امنیت است، قرار می‌دهند، باید حذف شوند. وظیفه پلیس صرفاً تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی است. دوم اینکه دو روز و یا سه روز در هفته را قضات دادسرا (در وقت اداری) به بررسی تمامی اسناد مالی که در بانک‌ها، فرمانداری‌ها، دفاتر امامان جمعه، شهرداری‌ها، استانداری‌ها، شورای شهرها و تمامی نهادهایی که به آنها بودجه اختصاص می‌یابد و یا ثروت‌های کلانی در آنها جایه‌جا می‌شود مثل شرکت‌ها، کارخانه‌ها و مؤسسات نیکوکاری، اختصاص دهند و برای انجام اینکار می‌توانند از متخصصان همچون فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری و اقتصاد استفاده کنند.

مورد آخر در نکته سوم تخصیص پاداش است. تخصیص پاداش باید مطلق باشد و هیچ فردی نباید مستثنی از اخذ پاداش شود. هیچ دلیلی منطقی وجود ندارد بین یک نظامی، قاضی و افرادی که مسئولیتی ندارند و مردم عادی هستند، در تخصیص پاداش فرق گذاشت. در این رابطه قانون حمایت از گزارشگران فساد برای تخصیص پاداش محدودیت‌هایی در نظر گرفته‌است. اولاً میزان پاداش را دو درصد ارزش ریالی موضوع پرونده اعلام کرده‌است و سقف پاداش را برای شخص حقیقی ده میلیارد تومان و برای شخص حقوقی خصوصی بیست میلیارد تومان در نظر گرفته‌است (موضوع ماده ۱۰ و تبصره ۱ آن). از نظر نویسندگان دو درصد مبلغ متناسبی است لکن می‌توان بیشتر نیز در نظر گرفت اما سقف پاداش اقدامی عجیب است. در مقابل مجرمان یقه سفید که چند هزار میلیارد تومان مرتکب جرایم اقتصادی می‌شوند ده میلیارد تومان مبلغ بسیار ناچیزی است و افراد مطلع ممکن است توسط خود مجرمان یقه سفید برای کتمان حقیقت در قبال مبالغ بیشتر تطمیع شوند. محدودیت بعدی موضوع ماده ۱۱ است که افراد موظف به گزارش و یا تعقیب رفتارهای مجرمانه را از اخذ پاداش مستثنی کرده‌است. با قیدهای موجود در ماده ۱۱ قضات، ضابطان دادگستری، افرادی که در سازمان بازرسی کل کشور هستند، افراد موضوع ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و افراد موضوع ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (کتاب پنجم) از گرفتن پاداش محروم می‌شوند؛ درحالی که این افراد نقش بسیار با ارزشی در شناسایی مجرمان یقه سفید و کشف فسادهای مالی آنان ایفاء می‌کنند. فلذا منطقی حکم می‌کند برای افزایش انگیزه و انرژی در افرادی که موظف به شناسایی و تعقیب مجرمان هستند، پاداش شامل آنها نیز بشود. یک محدودیت دیگر نیز وجود دارد که موضوع ماده ۱۴ همان قانون است. در این ماده مقنن مقرر کرده‌است که اگر گزارشگر برای تهیه اطلاعات، مدارک و اسناد مرتکب جرم شده‌باشد، مشمول پاداش نخواهد شد. این اقدام مقنن موجه نیست؛ به این دلیل که ممکن است برای آشکار کردن نیمه پنهان کوه فساد، گزارشگر مرتکب جرایمی همچون سرقت رایانه-ای و غیر رایانه‌ای، تخریب، دسترسی غیرمجاز، ورود غیرمجاز و موارد مشابه شود یا شاید بتوان گفت برای آشکار کردن نیمه پنهان کوه فساد ارتکاب جرم تنها راه حل و از ضروریات باشد. مجازات نشدن گزارشگر در جرایم ارتكابی مرتبط با تهیه مدارک را می‌توان با دلایلی همچون دفاع از جامعه، حکم قانون و رضایت جامعه (متضرر شدن جامعه) توجیه کرد. در اینگونه موارد شخص گزارشگر باید پاداش خود را بگیرد و بعداً اگر خسارت مادی برای شخصی وارد شده‌باشد، جبران کند. تنها موردی که نمی‌توان آنرا توجیه کرد جرایمی است که علیه جسم انسان واقع می‌شوند که در این موارد شخص گزارشگر نه تنها پاداشی دریافت نمی‌کند بلکه مجازات نیز خواهد شد.

نکته چهارم: تمامی بانک‌ها موظف می‌شوند مشخصات افرادی را که به آنها بالاتر از ۵۰۰ میلیون تومان وام اعطاء کرده‌اند (خواه این مبلغ دفعه واحد باشد خواه مجموع چند وام باشد) به دادرسی محل اعلام کنند. همچنین گیرندگان اینگونه وام‌ها ملزم می‌شوند گزارشی دقیق از

طریق روزنامه کثیرالانتشار است بلکه انتشار به سه طریق نوین؛ ابتدائاً تهیه یک مستند از هویت شخص و فسادهایی که انجام داده در صدا و سیما، انتشار حکم محکومیت به صورت گسترده در فضای مجازی که بیشتر مردم از آن استفاده می کنند و انتشار حکم محکومیت از طریق نصب پلاکارد در میدانی اصلی محل اقامت محکوم و علیه تا مدتی که قاضی دادگاه تشخیص دهد. علاوه بر این مورد می توان آبروی مجرم یقه سفید را با الزام به کار کردن در سطوح پایین تر و یا کار کردن در مشاغل سخت هدف قرار داد. برای هدف قرار دادن پول مجرمان یقه سفید که خدای آنها است جزای نقدی شدت یافته مناسب است. منظور از جزای نقدی شدت یافته این است که مجرم یقه سفید علاوه بر اینکه ملزم می شود مبلغ موضوع فساد را اعاده کند به میزان همان مبلغ نیز از دارایی های وی مصادره می شود و اگر دارایی های وی کافی نبود به میزان آنچه که از دارایی های وی موجود است مصادره خواهد شد. مجازات دیگری که می توان در نظر گرفت این است که صاحبان شرکت، کارخانه و پروژه های عظیم را می توان به تملیک شرکت ها، کارخانه ها و پروژه های خود اجبار کرد.

نکته نهم: نکته هشتم در راستای نکته هفتم است. برای هدف قرار دادن خانواده مجرمان یقه سفید باید دو نکته را در نظر گرفت. نکته اول این است که اگر خانواده مجرمان یقه سفید در فساد مالی آنها به هر نحو شراکت داشته باشند و یا با وجود علم به ناحق بودن آن سرمایه و یا آن منصب آنها را قبول کرده باشند، به طریقی که در نکته هفتم است مجازات خواهند شد. نکته بعدی این است که مجرم یقه سفید می تواند برای جلوگیری از انتشار حکم محکومیت و ساختن مستند راجع به خانواده خود تمامی اوال خود را طوعاً و اکذار کند.

نکته دهم: مجازات های دیگری نیز می توان در نظر گرفت. مثلاً اگر یک قاضی یا یک کارمند دولتی حقیقتی را کتمان کند و یا برای خلاصی مجرم یقه سفید وظایف خود را انجام ندهد اگر عمداً باشد انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت و اگر سهواً باشد انفصال موقت طویل المدت محکوم خواهد شد. مجازات دیگری همچون ممنوعیت هرگونه همکاری با ارگان های دولتی برای مجرمان یقه سفید و خانواده آنها و ممنوعیت اخذ هرگونه تسهیلات می توان در نظر گرفت.

نتیجه گیری

در حالت کلی جرایمی مالی که مجرمان یقه سفید در ایران مرتکب می شوند را می توان با کوه یخ سرگردان در اقیانوس مقایسه کرد که فقط بخشی از آن نمایان و حجم وسیعی از آن پنهان است. ملاحظات اخلاقی برای رسیدگی به جرایم یقه سفید ضروری است. برای مبارزه با مجرمان یقه سفید در ایران می تون قانونی تحت عنوان جای دبش مطرح کرد که سعی شده است سیاستی ترسیم شود که بر نیمه پنهان حجم فسادهای مالی متمرکز باشد. این قانون علاوه بر اینکه راهکاری ارائه می دهد تا مجرمان یقه سفید شناسایی شوند، مجازات مناسبی نیز برای آنان پیش بینی کرده است. بنابراین برای ارتقای استراتژیک

محل صرف وام را به دادرسی محل اعلام کنند. این نکته در قانون جای دبش باعث می شود افرادی که به پول های کلان دسترسی دارند کاملاً در دسترس و تحت نظر مقام قضایی باشند. یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که مجرمان یقه سفید منابع را برای انجام کار (الف) در اختیار می گیرند و در کار (ب) صرف می کنند و بعداً مشخص نمی شود که این پول در کجا و تحت اختیار چه افرادی قرار دارد. لذا با این نکته می شود این مورد را کنترل کرد.

نکته پنجم: قضات دادرسی ملزم می شوند ماهانه حداقل یکبار و حداکثر هرچند بار که مورد نیاز باشد، حساب های استانداران، فرمانداران، شهرداران، اعضای شورای شهر، اعضای دفاتر امامان جمعه و در شهر تهران حساب های وزراء، اعضای مجلس خبرگان، اعضای نمایندگان مجلس، اعضای شورای نگهبان، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، رؤسای نهادهای وابسته به مقام رهبری و اعضای خانواده افراد فوق الذکر همچون پدر، مادر، اولاد، عروس و داماد را بررسی کنند. در حالت کلی حساب های افرادی که به منابع قدرت و ثروت دسترسی دارند مشمول این نکته خواهند شد. علاوه بر افراد فوق الذکر می توان رؤسای هلدینگ ها، شرکت ها و کارخانه ها را نیز اضافه کرد. این نکته به این دلیل باید در قانون جای دبش وجود داشته باشد که مشخص شود اموال صاحبان قدرت و دسترس به ثروت از طریق مجرمانه افزایش نداشته باشد و اینکه گفته شد باید حساب اعضای خانواده نیز بررسی شود به این دلیل است که مجرمان یقه سفید عمولاً اموالی را که کسب می کنند در اختیار خود نگاه نمی دارند و آنها را در اختیار اعضای خانواده خود قرار می دهند. بالاخره از نظر منطقی می توان گفت یک شخص ۲۰ ساله که دانشجوی بوده و پدرش در قبال خدمت به جامعه حقوق می گیرد، نمی تواند مالک یک خودروی چند میلیاردی باشد. لذا این نکته باعث می شود مقام قضایی به محل صرف پول ها اشرافیت کامل داشته باشد.

نکته ششم: در این قانون وزارت دادگستری ملزم می شود تمهیدات لازم را برای همکاری حداکثری با پلیس بین الملل و مقام های قضایی کشوری که احتمالاً مجرمان یقه سفید در آنجا حضور دارند و یا اموال را به آنجا انتقال داده اند، انجام دهد.

نکته هفتم: برای جلوگیری از انتقال پول به خارج از کشور بانک ها موظف می شوند قبل از انجام عملیات بانکی مقدار پول و مشخصات صاحبان آنها را به دادرسی محل اعلام کنند و دادرسی محل ملزم است منشأ آن پول ها را بررسی کرده و سپس تصمیم مقتضی بگیرد.

نکته هشتم: در اینکه چه مجازاتی مناسب مجرمان یقه سفید است باید در نظر گرفت که چه چیزی برای آنها مهم است. صرف اینکه مجازات حبس، سلب حیات و یا جزای نقدی برای آنها در نظر گرفت، نه از منظر ارباب عام و خاص و نه از جنبه سلب توان بزهکار مفید به نظر نمی رسد. از این رو مجازاتی باید در نظر گرفت که آبرو، پول و خانواده مجرمان یقه سفید را هدف قرار دهد. برای هدف قرار دادن آبرو مجرمان یقه سفید که برای خود ظاهری زیبا خلق کرده اند انتشار حکم محکومیت بهترین مجازات است؛ البته نه انتشار حکم محکومیتی که از

یقه سفید. تشکیل دادگاه ها یا دادگاه های تخصصی برای تسریع در رسیدگی به این گونه پرونده ها.

۹. ایجاد استانداردهای اخلاقی و کدهای رفتار: تدوین و ترویج استانداردهای اخلاقی جامع و کدهای رفتار برای متخصصان، از جمله وکلا، حسابداران، حسابرسان، و مدیران شرکت. بر اهمیت صداقت، صداقت و تصمیم گیری اخلاقی در زمینه های مربوطه خود تأکید کنند.

۱۰. افزایش نظارت مالی: تقویت چارچوب های نظارتی مالی و مکانیسم های نظارتی برای جلوگیری از تقلب، پولشویی و سایر جرایم مالی. افزایش الزامات بررسی دقیق، اجرای رویکردهای مبتنی بر ریسک، و ترویج بهترین شیوه ها در موسسات مالی.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Political system	نظام سیاسی
2. Ethical corruption	فساد اخلاقی
3. Financial corruption	فساد مالی
4. Economic issues	مسائل اقتصادی
5. Social dilemma	معضل اجتماعی
6. White-collar criminals	مجرمان یقه سفید
7. Social class	طبقه اجتماعی
8. Ethical consideration	ملاحظات اخلاقی
9. Ethical behaviors	رفتارهای اخلاقی
10. Fair	انصاف
11. Honesty	صداقت
12. Respect	احترام
13. Responsibility	مسئولیت
14. Integrity	یکپارچگی
15. Privacy	حریم خصوصی

References

- Sadeghi Madovani M, Forotan M, Sayebani A. Economic proceedings in the balance of ethical and fair principles. *Ethics in Science and Technology* 2023; 18 (3): 77-83. Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.3.11.2](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.3.11.2)
- Akhavan M J. Systemic or systematic corruption. *Javan Broadcasting*. [Accessed in 10 Jan 2025]. Available at: <https://www.Javann.ir/004cnU>

استانداردهای اخلاقی در چنین قانونی می توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد:

۱. تقویت چارچوب های قانونی: تقویت و اجرای قوانین مربوط به جرایم یقه سفید، مانند کلاهبرداری، فساد، پولشویی، تجارت داخلی و اختلاس. این شامل مجازات های سخت تر و پیگرد سریع تر متخلفان است.

۲. ترویج شفافیت و پاسخگویی: با تشویق مقامات دولتی، مدیران شرکت ها و متخصصان به افشای منافع مالی، دارایی ها و بدهی های خود، فرهنگ شفافیت را تقویت کنید. مکانیسم هایی را برای اطمینان از پاسخگویی، مانند ممیزی مستقل و گزارش دهی منظم، اجرا کنید.

۳. افزایش آگاهی و آموزش: کمپین های آگاهی عمومی را برای آموزش افراد و سازمان ها در مورد عواقب جنایات یقه سفید و اهمیت رفتار اخلاقی انجام دهید. ارائه آموزش ها و کارگاه های آموزشی در زمینه اخلاق، صداقت و انطباق برای متخصصان در بخش های مختلف.

۴. تقویت نهادهای نظارتی: افزایش ظرفیت و استقلال نهادهای نظارتی مسئول نظارت بر مؤسسات مالی، بازارها و انجمن های حرفه ای. این نهادها را برای اجرای استانداردهای اخلاقی، انجام تحقیقات و اعمال تحریم ها برای عدم انطباق، توانمند کنید.

۵. افشاگران را تشویق کنید: مکانیسم هایی را برای محافظت و تشویق افرادی که جرایم یقه سفید را گزارش می کنند، ایجاد کنید. قوانینی را اجرا کنید که از افشاگران در برابر انتقام جویی محافظت می کند و کانال های مناسبی را برای گزارش تخلف در اختیار آنها قرار می دهد.

۶. ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR): کسب و کارها را تشویق کنید تا ابتکارات CSR را اتخاذ کنند که بر رفتار اخلاقی، رفاه اجتماعی و پایداری محیطی تمرکز دارد. بر اهمیت ارزش های اخلاقی در فرآیندهای تصمیم گیری شرکتی تأکید کنید.

۷. تقویت همکاری و به اشتراک گذاری اطلاعات: تشویق همکاری بین بخش های دولتی و خصوصی، سازمان های مجری قانون، نهادهای نظارتی و سازمان های بین المللی. تسهیل به اشتراک گذاری اطلاعات و همکاری برای کشف، تحقیق و تعقیب جرایم یقه سفید.

۸. تقویت سیستم قضایی: اطمینان از برخورداری قوه قضاییه از منابع، آموزش و تخصص لازم برای رسیدگی موثر به پرونده های جنایات

- Technology 2016; 10 (4):45-53. Dor: [20.1001.1.22517634.1394.10.4.6.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1394.10.4.6.3)
5. Najafi Abrandabadi AH, Hashem Beigi H. Encyclopedia of criminology. 5th ed. Iran/ Tehran: Ganj Publication. 2018.
 6. Pitre R, Claiborne C. Corporate ethical training: an answer to white-collar crimes. Journal of Values-Based Leadership, 2021; 14(2). Doi: [10.22543/0733.142.1362](https://doi.org/10.22543/0733.142.1362)
 7. Le Maux J, Smaili N. Fighting against white-collar crime: criminology to the aid of management sciences. Journal of Financial Crime, 2022; 30(1). Doi: [10.1108/JFC-07-2022-0165](https://doi.org/10.1108/JFC-07-2022-0165)
 8. Stotland E. White Collar Criminals. Journal of Social Issues. 2010; 33: 179 - 196. Doi: [10.1111/j.1540-4560.1977.tb02531.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-4560.1977.tb02531.x)
 9. Gholami H. Criminology. 2nd es. Iran/Tehran: Mizan Legal Foundation. 2017. (In Persian).
 10. Clark J, Austin J, Henry D A. Three Strikes and You're Out: A Review of State Legislation. USA/Washington: National Institute of Justice. 1997.
 11. Wilson J, Kelling G. Broken windows. The police and neighborhood safety. 7th ed. USA/Washington: Office of Justice Programs. 1998.
 12. Wilson J, Kelling G. The police and neighborhood safety broken windows. 1st ed. Britain/London: Routledge Publication. 2011.
 13. Skiba R, Peterson R. The dark side of zero tolerance: can punishment lead to safe schools? Phi Delta Kappa International, 1999; 80 (5): 372-376.